

نظام مردم کشی ، نظام تجارت برای آدمکشی یعنی نظام پزشکی جمهوری اسلامی

در نظام پزشکی جمهوری اسلامی بیماری مردم مصیبتی زمینی است که به خاطر هزاران دلایل: سو تغذیه، محل زندگی مرطوب، نداشتن وسایل گرم کردن، نداشتن آب سالم آشامیدنی، محیط آلوده زندگی و محل کار به انواع ویروس و باکتری ها، گرسنگی های مزمن و اجباری، کمبود خون، کمبود انواع پروتین، ویتامین و مواد کانی، آلودگی هوا و انواع بیماری های ریوی: سل، آسم. انواع بیماری های حلق، بینی، گوش و چشم. ریزش موی. حساسیت پوستی و ضعیف شدن ساختار ایمن (پدافندی بدن)، کهولت زود رس. انواع بیماریهای روانی- اجتماعی و ده ها بیماری دیگر. آیا توانسته ایم به علل این بیماری فکر نماییم؟ پاسخ به این سؤال به این جواب خواهیم رسید که در جوامع سرمایه داری به علت اختلافات ژرف طبقاتی و رشد بالا رونده درجه استثمار و نابودی تمام دولت رفاه اجتماعی باعث از میان رفتن زندگی و حیات میلیون ها کارگر و دهقان و دیگر توده های زحمتکش می شود. با هیچ تشکیلات و بودجه درمانی دولت بعدی قادر نخواهد بود جبران خسارتها کند. امکان پذیر نیست. ولی میدانیم آن حکومتی زندگی و حیات را از مردم خود گرفته است، نمی خواهد، سلامتی شهروندان را از طریق مداوا و پیشگیری بر طرف کند.

رژیم جمهوری اسلامی هم مانند تمام رژیم های سرمایه داری با شکل عقب افتاده و "جهان سومی" جهنمی سوزان برای مردم ایران ساخته و با سانسور رسانه ها و مطبوعات، کوشش می کند به هر صورتی شده، آنهمه مشکلات خود ساخته را به فراموشی سپرده و با آمار و ارقام تخیلی به فریب مردم پرداخته و لی گاهی از لای درز های دیوار بلند سانسور و خود سانسور اخبار جالبی بدست ما می رسد. تماس با مردم، گفتگوی با پرستاران و پای صحبت آنان و همچنین گوش دادن به صحبت های پزشکان انسان و با وجدان، ما می توانیم تصویر شکسته از نظام آدم کشی، تجارت برای مردن یا نظام پزشکی جمهوری اسلامی بدست آوریم.

سیستم بهداشتی و تندرستی مردم از تشکیلات و تکنیک عقب افتاده ای برخوردار است. حدود ۱۶ شهر که مراکز استانی کشور می باشند، دارای چند بیمارستان و کلینیک هستند و پاسخگوی نیاز های مردم نیست. بخش بزرگی از پزشکان مطب خود را در خیابانهای معروف که در مرکز اقتصادی و تجارتي کلان شهرها باز نموده و در تهران مطب پزشکان در برج های معروف قرار دارد و نام این پزشک و یا جراح معروف بوده و حق ویزیت کلانی را برای معاینه و درمان به خود اختصاص داده " و می بایست" در محل مشهور گرانقیمت و با مبلمان زیبا دفتر پزشکی داشته باشد. عده ای دیگر دارای بیمارستان خصوصی و کلینیک بوده و یک مجموعه غارتگرانه مافیایی را با پزشکان دیگر تشکیل داده. در صورتیکه نیمی از مردم کشور در ۱۷۵۶ شهر و شهرک زندگی کرده و از کمبود و نه بود دکتر و حتی داروخانه محروم می باشند.

در باره تهیه دارو، این خود جای جداگانه ای دارد. قیمت های دارو در ایران هیچگونه معیار ارزشداری نداشته و با انحصار نمودن واردات دارو در دست عده ای دلال دارو چی، باعث مرگ بسیاری از خانواده های فقیر می شود. بسیاری دارو ها، کمیاب می باشند، دارو های بیماری ایدز، بیماری قلب و خون، انواع دارو های بیماری معده و روده، کلیه، طحال، انواع دارو های جبران کمبود ویتامین و غیره را نام برد، ولی با پرداخت بهای کلانی می توان انواع دارو های نایاب را پیدا نمود.

یکی از مشکلات بیماران نبودن تخت آزاد برای بستری کردن مریض در بیمارستان های دولتی است. و امروز بسیاری از بیماران می بایستی چند روز بعد از عمل جراحی از تخت درمانی پایین آمده و روانه خانه شوند. اغلب بیمارستان های دولتی وسایل کامل پزشکی برای معاینه بیماری قلبی نداشته و تهیه آزمایشات پزشکی تنها توسط عکس برداری انجام شده و دستگاه های بزرگ توموگرافی و انواع دستگاه های کوچک کامپیوتری از طریق اسکان کردن میکرو و موجود نیست. اغلب آزمایشگاه ها استاندارد های کهنه و رد شده آزمایشی برخوردارند. بسیاری از بیمارستان ها به علت عدم بهداشت و استرلیزه کردن، بیماران بعد از عمل جراحی دچار عفونت گشته و نیاز به دارو های آنتی بیوتیک می باشد. در بخش حوادث و اوژانس بروکراسی بسیار باعث جلوگیری بازگشت سلامتی افراد مصوم، دچار سوختگی، دچار شکستگی استخوان، حادثه رانندگی می شوند. حال باید سؤال نمود مسئولیت مرگ و نقص عضو افراد را چه کسی به عهده می گیرند؟ اما چه راهی را می توان جستجو نمود؟ پاسخ به این سؤال می تواند راه حلی باری رفع بنیادی مشکلات نظام پزشکی ایران است. به عقیده نویسنده تغییرات بنیادی در سیستم بهداشتی و درمانی در زیر حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی امکان پذیر نیست و با هر گونه رفرم و گذاشتن بودجه و ساختن چند بیمارستان نمی توان مشکلات را حل کرد. تا هنگامی که سلامتی و درمان کارگران، دهقانان و زحمتکشان، مرکز تجارت برای نظام

پزشکی است. تا زمانی که ورود دارو در انحصار گروهی از بازگانان قرار گرفته و بخشی از سرمایه داران ورود و وسایل پزشکی و درمانی را در دست خود دارند. امکان پذیر نمی باشد.

باید تفکری دیگر و طرحی دیگر داشت. طرحی که بیمار - کالایی در دست پزشک نباشد. بدین خاطر نیاز داریم تمام بیمارستانها، کلینیک ها و تمام تشکیلات تهیه دارو و وسایل پزشکی دولتی گردیده و یا ابتدا در نظارت کامل دولت قرار بگیرد. این وظیفه فوری ما می باشد. تسهیلات کامل برای معافی از خدمت زیر پرچم و فرستادن تمام پزشکان جوان به دور ترین نقاط کشور. تشکیل سازمان مخصوص برای وظایف پزشکان. تقسیم آنان به مناطق مختلف کشور، برای بهبود بهداشت و سلامتی خلقهای ایران. تیمهای بررسی از وضعیت انواع بیماری های شیوع یافته، بومی و فصلی و یا منطقه ای. تهیه آمار دقیق از تعداد پزشکان، پرستاران، تعداد بیمارستان ها، کلینیک ها و مراکز درمانی و دندان سازی و تهیه عینک، و سمعک که به توان در آینده بر پایه آمار دقیق نیازهای کامل که در آمار نشان داده می شود نیاز ها را برطرف نمود. جمع نمودن تدریجی تمام داروخانه ها و پخش دارو توسط شورای پزشکان و تشکیل ستادی برای تهیه نیاز های دارویی و وسایل پزشکی و آزمایشگاهی که مستقیم در خدمت مراکز درمان قرار گیرد. ممنوع نمودن فروش دارو و وسایل پزشکی. کنترل کامل پخش دارو و دفترداری و تهیه آمار برای نیاز هر مرکز درمانی. حفاظت از تمام وسایل بیمارستانی، ساختمانی، وسایل حمل و نقل، آزمایشگاه ها، حفاظت از مالکیت خلقی بهداشت و درمان و اجرای کنترل شدید برای شناخت از تمام خرابکارها در مراکز درمانی و کنترل و نابودی سازمانهای خرابکاری که توسط سازمانهای زیر زمینی صاحبان دیروزی بیمارستانهای خصوصی، کلینیک ها و مخصوصا سهامداران بزرگ و کوچک ایجاد می شود! تمام امتیازات از آنان گرفته شده و مالکیت آنان به خلق داده خواهد شد و به اموال مردم تعلق خواهد گرفت. در امر سلامتی و بهداشت مردم نمی توان گذشت نمود و تنها در شرایط ضروری و نیاز فوری می بایست امکاناتی را برای زندگی آنان فراهم آورد. تا بتوانند به خلقمان خدمت کنند. مسئولیت شغل پزشکی یک وظیفه انسانی و اجتماعی و یا سوسیالیستی می باشد. آمادگی تمام وقت برای نجات جان انسان، صرف نظر از هر عقیده سیاسی و اجتماعی و مذهبی، فقیر بودن و حتی ثروتمند بودن، نمی توان بنا بر تربیت انسانی پزشکان و تعهد انسانی که در پایان تحصیل به جامعه داده اند، با معیار پول و ثروت اندوزی اندازه گرفت. **افتخارات جامعه سوسیالیستی قدردانی از آنان و دادن مسئولیت بیشتر به پزشکان خدمت گزار در امر بهداشت و سلامت خلق و خلق ایران قدر دان از کار سخت آنان خواهد بود.**

این شمه کوچکی از یک طرح بزرگ و انسانی برای نظام آینده پزشکی ایران است. طرحی که تحت یک شرط ضروری می توان رسید. آیا فکر کرده اید که این شرط ضروری چیست؟ آنان که در امر کار مبارزه طبقاتی می باشند، می دانند که ما چه می گوئیم.

بدین خاطر برای رسیدن به خواست های بالا برای رسیدن به یک سیستم درمانی و بهداشتی برای مردم ایران، کسب قدرت سیاسی و گرفتن قدرت در دست راهروان کارهای بزرگ و تاریخی ضروریست. این رهروان همان همان حزب طبقه کارگر که به نام حزب کمونیست معروف می باشد. تنها طبقه ای می توانند از بند های استثمار و بهره کشی طبقه سرمایه دار رها گردد که تمام جامعه را رهانیده و خود هم تمام زنجیرهای بردگی را از دست و پای خود باز کرده باشد.

آزادی خلق ایران و رسیدن به آرمانهای یک جامعه برجسته و پیشرفته در بیداری و خواست طبقه کارگر و متحدین او می باشد که در کل خلقهای کشور ما را تشکیل می دهند. باید این طبقه متشکل شود و دارای حزب واحد و قدرت فراگیر باشد.

تنها با بسیج توده های در امر انقلاب و سرنگونی رژیم برای دموکراسی انقلابی و سوسیالیستی برای آزادی کامل طبقه کارگر برای اتحاد و دوستی خلقهای کشورمان، برای آزادی نیمی از جمعیت کشور که زنان است می توان به خواسته های نام برده شده در بالا دست یافت.

انقلاب سوسیالیستی می تواند با قهر انقلابی و سرنگونی جمهوری اسلامی نظام مردم کشی، تجارت برای آدمکشی یعنی نظام پزشکی ملایان را واژگون نماید.

مردم خود سخن می گویند.

برخی از شرکت های فاقد اعتبار (ثبت نشده) در کشورهای همسایه اقدام به جمع آوری، بازیافت و بسته بندی مجدد سرنگ های یکبار مصرف کرده اند و احتمال دارد این موارد همراه با سایر لوازم پزشکی از سوی شرکت ها، بازگانان و یا مسافران عادی به راه های مختلف به ویژه از طریق مرز زمینی به صورت قاچاق وارد ایران شود. به گزارش سرویس «بهداشت و درمان» خبرگزاری دانشجویان ایران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در اطلاعیه ای به هموطنان توصیه کرد به منظور جلوگیری از تبعات ناشی از مصرف اینگونه سرنگ ها باید خرید سرنگ یکبار مصرف تنها از مراجع قانونی (داروخانه ها و شرکت های توزیع و پخش دارو و تجهیزات پزشکی) صورت گیرد.

واردات داروهای اساسی در ایران بعهده باند مافیایی است و اصولا کوپن آفازده ها می باشد و اینان بقدی وقاحت دارند که در جهت کسب سود بیشتر سعی می کنند داروهای تاریخ گذشته را وارد کرده و از طریق کانال رسمی بین مراکز

درمانی توزیع کنند. بنابراین در زمانی که اینها خون آلوده را جهت هموفیلی های وارد کردند و بیش از ده هزار بیمار هموفیلی آلوده به ویروس ایدز شدند هرگز هیچ دادگاهی برگزار نشده که در آن مسببین اصلی را محکوم کنند. در این مورد بیمارستان ایران مهر هم وارد کننده دارو همان آقا زاده ها می باشند. خوشبختانه در ایران همیشه مسایل و مشکلات بزرگ با گذشت زمان به بوته فراموشی سپرده می شود. این مورد هم همینطور است نه خاطی گزارش می شود و نه حکمی. یکی از پرستان بیمارستان ایران مهر می گوید این سری دارو (سری تولید) را به بیمارستان دی و کسری تهران داده اند و طبعاً در این بیمارستان ها هم چنین مواردی باید باشد حال چرا به آنها توجه نمی شود جای بحث دارد؟ امیدوارم این مطالب مرا نیز منعکس کنید. **هادی**

بدبختی از آنجاست که اگر یک بیمار از یک پزشک شکایت کند و آن پزشک را به محاکمه بکشند آنها بار سفر را می بندند و راهی دیار غربت می شوند چون ممکن است به تریش قیابشان بر بخورد... آن روزی که قیچی و سوزن و نخ و غیره در شکم بیمار جا ماند چه کسی پاسخگو بود؟ آن روزی که به علت آلوده بودن بیمارستان بیمار درگذشت چه کسی پاسخگو بود؟ آن روزی که کارتن داروهای تولید داخل در خیابان ناصر خسرو برای معتادین به فروش می رفت و می رود، چه کسی پیگیر قضیه بود؟ اینها دروغ نیست. اینها درد است. اینها مصیبت است که باید به سر مردم بیاید... **شهره - زنجان**

مشکل دیگر هم یک مشکل کلی فرهنگی است و آن بی اهمیت بودن جان مردم است. حتماً در تهران بنزهای الگانس ۲۰۰ میلیونی را دیده اید که سازمان بهشت زهرا برای مرده کشتی خریده و حتماً از وضعیت آمبولانسهای کشور که قبلاً برای مرده کشتی استفاده میشده و حالا در خدمت بیماران است اطلاع دارید! سالی ۲۷۰۰۰ نفر در جاده ها جان خود را از دست میدهند و سالی ۷۰۰۰ نفر در تهران در اثر آلودگی هوا! ۴۰۰۰۰ نفر (یعنی بیش از ۵۵ درصد از کل قربانیان حوادث طبیعی جهان) در بم جان میدهند و این داستان هر ساله در نقطه ای از کشور تکرار میشود. مرگ در فرهنگ اسلامی ما مقدس است و مرده مظلوم و زندگی نکبت است و افراد زنده داوطلب مرگ برای فرار از این نکبت! خوش به حال مرده ها! **مجید ن. - تهران**

با سلام خیلی دوست داشتم در جایی به اطلاع مسئولین مربوطه برسانم که خانمی نیز حدوداً اواخر اسفند ماه تحت عمل سزارین در بیمارستان سجاد قرار گرفتند، ولی چون به هوش نمی آمده و فکش قفل شده بود و در نتیجه تلاش پرسنل اطاق عمل برای به هوش آوردن وی سه دندان وی کاملاً شکسته. رهیافت - تهران

با سلام... متأسفانه باید بگم یکی از مشکلاتی که در بیمارستان های ایران وجود دارد برخورد بسیار بد و نامناسب مسئولین هنگام پذیرش مراجعین است که این مورد حتی در مورد بخش اورژانس هم دیده می شود. برای مثال یکی دو سال پیش یک جسم خارجی وارد انگشت من شد و من به بخش اورژانس بیمارستان گلستان اهواز رفتم. با اینکه اورژانس بیمارستان گلستان اهواز بخش جراحی داشت اما مسئول بخش اورژانس با آوردن دلایل غیر منطقی و اکثراً دروغ (مثلاً اینکه جراح اورژانس الان در بخش نیست) قصد داشت ما را پذیرش نکند و ما را به بیمارستان دیگری بفرستد. خلاصه بعد از سه ساعت معطلی انگشت ما را در همان بخش که به گفته خودشان نه وسایل جراحی دارد نه جراح عمل کردند. مساله دیگر رعایت نکردن اصول اولیه بهداشت در درمانگاه ها و مراکز بهداشتی خصوصی است برای مثال اینجانب در شهر تهران در درمانگاه نارمک شاهد بودم که متصدی پذیرش جعبه سرنگ ها و آمپول های آب مقطر را در کنار پول هایی که از مردم می گرفتند قرار میدادند. وقتی که ما مساله را به سوپروایزر بخش اطلاع دادیم نه تنها نخواست جلوی این اشتباه را بگیرد بلکه برای اینکه ما را تنبیه کند که در کارشان دخالت کرده ایم ما را هم پذیرش نکرد و از درمانگاه بیرون کرد. با تشکر... **اسفندیار - اهواز**

دو ماه قبل به دللی به همراه یک مریض به ملاقات دکتری رفتم. مریض به عمل جراحی از ناحیه استخوان آرنج احتیاج داشت. دکتر با کمال خونسردی یک بیمارستان خصوصی که با بیمه هم قرارداد نداشت را معرفی کرد و جالبتر آنجاست که وقتی خواستیم که بیمار در یک بیمارستان دولتی که هزینه کمتری در بر دارد عمل شود جواب شنیدیم: "اگر خودتان مایلید مشکلی نیست ولی آنجا چون دولتی است من فقط ناظر عمل خواهم بود و دانشجویانم عمل را انجام خواهند داد." چه کسی پاسخگوی این عمل پر هزینه خواهد بود؟ آن هم قبل از عید و در یک خانواده پرجمعیت و احتمالاً کم درآمد.

بردیا - بندر عباس

با عرض سلام ۲/۲/۶۹ سالگرد فوت مادرم در بیمارستان خاتم الانبیا بود. ۲۴ روز بستری بود در این ۲۴ روز در بیمارستان دیالیز میشد برای راحتی بیمار در دستش فستول کار میگذارند تا از این طریق دیالیز کنند البته بردیم در بیمارستان هاشمی نجات فستول کار گذاشتند، آوردیم دوباره به خاتم الانبیا دکتر آمد گفت فردا مرخص میکنم مادرتو، پول بیار تسویه حساب کن. ساعت ۹ صبح بود در کمال ناباوری برادرم تلفن زد به من که مادر فوت کرده. روی دندانهای عاریه اش ۴ تا دندان طلا داشت در بیمارستان غیب شد، ما هم که در التهاب فوت مادرمان بودیم بعد از چند روز که رفتیم بیمارستان جواب سربالا شنیدیم؛ به ما هم گفتند با سخته قلبی فوت کرده. ماه هیچوقت پشت ابر نمیمانند. خدا را شکر که سزای عملشان را دیدند همین اسم بهترین بیمارستان ایران سر زبانها افتاد برایشان کافی است با تشکر.

محمد - تهران

خوب کیفیت خدمات پزشکی و بیمارستانی هم تابع شرایط عمومی کشور است. البته در بیمارستانهای خصوصی وضع خوب است اما بیمارستانهای دولتی به گشتارگاه معروف شده اند. نه اینکه کاملاً اینگونه باشد اما در شیراز که قطب خدمات پزشکی در ایران است و حتی از کشورهای همسایه جهت درمان به این شهر می آیند گزینه مطلوب

بیمارستانهای خصوصی هستند و بیمارستانهای دولتی مخصوص افراد کم بضاعت تر است. متاسفانه گاهی رفتار پرستاران و پزشکان در بیمارستانهای دولتی با رفتار همان فرد در بیمارستانهای خصوصی کاملا متفاوت است. **سعید - شیراز**